

باسمه تعالی

مدت امتحان ۴۵ دقیقه

آبان ۹۵

آزمون درس : علوم و فنون ادبی ( ۱ )

کلاس : دهم ادبی

( چهار درس اول )

نام و نام خانوادگی:

ردیف	اللهم صلّ علی محمد و آل محمد	بارم
۱	فصاحت درباره ی چگونگی و کیفیت ..... است و بلاغت به چگونگی..... و ..... کلام نظر دارد .	۰/۷۵
۲	غیر از زیبایی یک متن ادبی چه ویژگی‌های دیگری دارد ؟ ( سه مورد ذکر کنید )	۰/۷۵
۳	هدف زبان چیست ؟	۱
۴	متن چیست ؟	۱
۵	هدف ادبیات چیست ؟	۱
۶	قدیم‌ترین تقسیم‌بندی انواع ادبی چگونه بوده است ؟	۱
۷	کالبدشکافی در متون ادبی یعنی چه ؟	۱
۸	چگونه تشخیص می‌دهیم که یک قالب شعری « مثنوی » است ؟	۱
۹	نخستین گام در رویارویی با هر متنی چه نام دارد و برای چه کاری است ؟	۱
۱۰	برای واژه ی « مرد » واژه هایی در روابط معنایی زیر به کار ببرید : الف- ( تضاد ) :      ب- ( مترادف ) :      ج- ( تضمّن ) :      د- ( تناسب ) :	۱
۱۱	سخنی که دارای فصاحت است از چه عیب‌هایی باید تهی باشد ؟ ( سه مورد ذکر کنید ) الف- ب- ج-	۱/۵

۲	در متن زیر چهار ویژگی مربوط به قلمرو زبانی را بررسی کنید : « صیادی ضعیف را ماهی قوی به دام اندر افتاد طاقت حفظ آن نداشت . ماهی غالب آمد و دام از دستش دربر بود و برفت » الف- ب- ج- د-	۱۲
۱	سروده‌ی زیر را از نظر قلمرو فکری بررسی کنید : « زندگی در چشم من شب‌های بی مهتاب را ماند / شعر من نیلوفر پژمرده در مرداب را ماند / ابر بی باران اندوهم / خار خشک سینه‌ی کوهم .. »	۱۳
۲	در ابیات زیر « تشبیه ، تشخیص ، مثل و کنایه » را مشخص کنید : الف- پیش دیوار آنچه گویی هوش دار      تا نباشد در پس دیوار گوش ب- هر کاو نظری دارد با یار کمان ابرو      باید که سپر باشد پیش همه پیکان‌ها ج- دست گیر این پنج روزم در حیات      تا نگیرم در قیامت دامت د- باغ سلام می کند سرو قیام می کند      سبزه پیاده می رود غنچه سوار می رسد	۱۴
۲	دیدگاه خود را درباره‌ی محتوا و موضوع سروده‌ی زیر بنویسید : من ندیدم دو صنوبر دشمن / من ندیدم بیدی سایه اش را بفروشد به زمین / رایگان می بخشد نارون شاخه‌ی خود را به کلاغ ...	۱۵
۲	در ابیات زیر « تکرار ، واج‌آرایی ، جناس و مراعات نظیر » را مشخص کنید : الف- گفتم کی ام دهان و لب‌ت کامران کنند      گفتا به چشم هر چه تو گویی چنان کنند ب- بی همگان به سر شود بی تو به سر نمی شود      داغ تو دارد این دلم بی تو به سر نمی شود ج- اندر کشاکش‌های او نوش است ناخوش‌های او      آب است آتش‌های او بر وی مکن رو را گران د- زکوی میکده دوشش به دوش می بردند      امام شهر که سجاده می کشید به دوش	۱۶